

گذری بر تاریخ قدیمی ترین محله ایران که از مشهد هم قدیمی تر است (قسمت دوم)

نوغانی که بود و دیگر نیست

رضا سلیمان نوری / خراسان پژوه

راسته کوچه نوغان آن گونه که در بخش نخست این مطلب اشاره شد، خروارها داده تاریخی را در دل خود جای داده است. برخی از این موارد را که هنوز وجود دارند و یا قدم زدن در این راسته کوچه بیش از هزار ساله قابل شناسایی هستند، در نوشتار هفته قبل معرفی کردیم اما در طول قرن‌های گذشته از تاریخ ایجاد این راسته کوچه که هم عمر بارگاه منور رضوی بوده و در این سال ها رد پای صدها هزار زائر امام ثامن^ع بر جای جای آن حک شده بسیاری بناهای کوچک و بزرگ در گوشه و کنار آن احداث شده‌اند که به دلایل مختلف اکنون تنها نامی از آن‌ها برای ما به یادگار مانده و حداکثر امکان جانمایی شان هست. بناهایی که اغلب آن‌ها به نوعی گرهِ گشای کار زائران خسته از طی کردن راه‌های بس طولانی برای دیدار حضرت یار بوده و به مرور زمان یا با تغییر شرایط زندگی کارکرد خود را از دست داده و جایشان را به سازه‌های امروزی تر مورد احتیاج زائران و در برخی موارد مجاوران داده‌اند یا جبر زمانه گریبانشان را گرفته و به طعمه‌ای برای آنچه به نوسازی معروف شده، تبدیل شده‌اند. در نوشتار این هفته که دومین بخش از معرفی راسته کوچه نوغان است به سراغ این دسته از بناهای نابود شده رفته ایم تا شاید فتح بایی برای آشنایی بهتر آن‌های که دوست دارند گامی در راه احیای نوغان کهن بردارند با داشته‌های کهن این راسته کوچه کرده باشیم.



نمای ازاحداثات روستان رضوان کسب،تخریب بخش بزرگ از مسالوئغان قدیمشد



موقعیت دروازه نوغان بر روی نقشه بزرگ نقشه انوشیروان (کتاب نفوس ارض الفسی) شاهنشاهی ساسانی در سده سوم تا چهارم میلادی

● دروازه نوغان مشهور ترین بنای تاریخی نوغان که اکنون هیچ رد و اثری از آن باقی نمانده «دروازه نوغان» است. این دروازه که به روایت قدیم در ابتدای محله نوغان و براساس شماره گذاری های امروزیین کوچه ها در انتهای محله نوغان قرار داشته ، یکی از دروازه های کهن شهر مشهد محسوب می شده واز دوران صفوی تا اوایل دوران پهلوی یکی از ورودی های اصلی شهر مشهد بوده است. دروازه نوغان بر خلاف دروازه های پایین خیابان و عیدگاه در مسیر گذر تجاری قرار نداشته و بیشتر مورد استفاده کشاورزان روستاهای حاشیه ای مشهد و البته مردم شهرهایی چون کلات، قوچان و چناران و به عبارت بهتر ساکنان شمال خراسان بوده است و به همین دلیل هم ریشه نژادی برخی از ساکنان کنونی محله نوغان به اقوام کرد و ترک شمال خراسان باز می گردد. کشاورز بودن اغلب این زائران باعث شده برخی از تاریخ نویسان دروازه نوغان را به نام «دروازه کشاورزان مشهد» هم معرفی کنند. این دروازه نیز چون دیگر دروازه های شهر مشهد در جریان نخستین دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۱۲ خورشیدی کاربرد خود را از دست داد و در سال های دهه ۲۰ کم کم ابتدا باروهای اطراف آن و سپس خودش تخریب و به خانه مسکونی تبدیل شد. ناگفته نماند که بر اساس اسناد موجود محل دقیق این دروازه در رویه روی کوچه کاشانی ۶ یا همان راسته کوچه نوغان کنونی یعنی محدوده ابتدایی کوچه کاشانی ۹ قرار داشته است.

● کاروان سرای حاج حسین رنگرز

یکی دیگر از بناهای هویتی راسته نوغان که قربانی مدرن سازی شده «کاروان سرای حاج حسین رنگرز» است. این کاروان سرا که دیر زمانی محل اسکان مسافران بسیاری بوده و سابقه آن حداقل به دوران افشاریه می رسیده است در جریان ایجاد بیمارستان و درمانگاه امام صادق^ع تخریب شده است. به عبارت بهتر کاروان سرای مورد نظر درست در محل همان گودال بزرگی که سال های متمادی است به نیت ایجاد بیمارستان در پشت

درمانگاه امام صادق^ع ساخته شده، قرار داشته است. براساس گفته قدیمی های محله نوغان و البته نام خودکاروان سرا باید بیان کرد که این سازه تاریخی در سال های پایانی عمر خود و پس از آنکه دیگر کاربرد خودش را به عنوان محلی برای استراحت مسافران و تخلیه بارهای همراه آن‌ها از دست داده بوده، به یک کارگاه بزرگ رنگرزی تبدیل شده بود. کارگاهی که با توجه به رونق فرش بافی در محله نوغان بین دهه های ۳۰ تا ۶۰ دهه ۱۴ هجری در آن دوران در اوج بود و پس از آن هم به مالکان درمانگاه امام صادق^ع فروخته شد تا شاید با تبدیل شدن به بیمارستان باز هم گرهِ گشای زائران و مجاوران باشد. آرزویی که با توجه به شرایط مشخص نیست چه زمانی به سرانجام رسد.

● حمام عدالتیان

حمام‌ها را باید یکی از سازه های عمومی دانست که تا قبل از ایجاد سیستم گازرسانی شهری و تسهیل در امر سوخت رسانی به شدت مورد نیاز زائران و مجاوران بوده اند. بر همین اساس تا میانه های دهه ۶۰ خورشیدی هنگام گذر از هر راسته کوچه تاریخی شهر به راحتی می توانستید چند حمام عمومی را شناسایی کنید. راسته کوچه نوغان هم از این اصل کلی مستثنا نبود و علاوه بر حمام گلشن در ابتدای آن از سمت میدان طبرسی که در نوشتار قبلی آن را معرفی کردیم در میانه های این کوچه و درست در ابتدای کوچه پس از درمانگاه امام صادق^ع حمام عدالتیان قرار داشت. حمامی که بر خلاف حمام گلشن و البته حمام باغ در راسته کوچه موزای کوچه نوغان به نحوی حمامی اشرافی تلقی می شد زیرا عمومی نبوده و نمره های متعدد برای استفاده خصوصی افراد و خانواده ها داشت. البته آثار این حمام هم طی سال های اخیر از راسته کوچه نوغان پاک شد و جای آن را یک مجموعه اقامتی گرفت.

● تغییر وضعیت از سنتی به مدرن

همان گونه که در متن نخستین معرفی راسته کوچه نوغان بدان اشاره شد، این کوچه دیر زمانی دارای کاروان سراهای متعددی بوده که اکنون رد و اثری از آن‌ها باقی نمانده است. علاوه بر کاروان سرای

حاج حسین رنگرز که در همین نوشتار آن را معرفی کردیم درست در ابتدا و مقابل کوچه چهل خانه هم دو کاروان سرای نسبتاً بزرگ دیگری قرار داشت. این دو کاروان سرا تا سال های ابتدایی دهه ۷۰ خورشیدی حداقل به صورت فیزیکی باقی مانده و تنها کاربری شان از محلی برای اسکان زائران و همچنین تبادل کالاهای همراه ایشان به انبار مغازه ها و فروشگاه های فعال در سایر نقاط کوچه نوغان و حتی خیابان طبرسی تبدیل شده بود اما در سال های بعد و در گام های نخست اجرای طرح نوسازی اطراف حرم مطهر رضوی ابتدا تخریب و سپس هر کدام به یک مجموعه اقامتی بزرگ تبدیل شدند تا بدین گونه به بخشی دیگر از زائران حضرت ثامن^ع خدمت رسانی کنند.

● خانه خوشبو

درست در کوچه مجاور کاروان سرای مقابل کوچه چهل خانه که اکنون به هتل نگین تبدیل شده تا اواسط دهه ۷۰ خانه ای وجود داشت که به یقین خوشبوترین خانه راسته کوچه نوغان بود. دلیل این خوشبویی چیزی نبود جز شغل صاحب خانه و البته کارگاهی که به واسطه این شغل در داخل خانه فعال بود. این خانه میزبان تنها گلاب گیری فعال محله نوغان بوده که در سراسر سال، نه تنها گلاب مورد نیاز ساکنان محله را تولید می کرده که محصولات آن چه گلاب و چه سایر عرقیات گیاهی به عنوان یکی از سوغات شهر مشهد از سوی زائران روانه شهرهای دیگر می شده است. این کارگاه خانگی گلاب گیری البته بر خلاف مواردی که تا الان بیان شد، قربانی تغییر و تحولات شهری نشد و فوت مالک آن که همگان او را به نام حاجی گلابگیر می شناختند و البته فامیل شناسنامه ای اش هم همین بود و عدم تمایل فرزندان به ادامه دادن شغل پدر باعث حذف آن از اندوخته های فرهنگی راسته نوغان شد.

● اسب خانه نوغان

یکی دیگر از سازه های قدیمی موجود در شهرها تا سال های میانه دهه ۳۰ که حمل و نقل شهری از سیستم سنتی به مدرن تبدیل شد، اسب خانه ها بودند. این مکان در اصل یک طولیه بزرگ بود که مالکان

اسب های کالسکه ها و درشکه های فعال در سیستم شهری و البته گاری های حمل بار موجود در شهر، شب ها اسب خود را برای تیمار به مسئول آن می سپردند. این فرد هم ضمن نگهداری از اسب در این مکان به رتق و فتق امور این حیوان نیز پرداخته و در صورت نیاز نعل یا زین و دهنه آن را تعمیر می کرد تا روز بعد بار دیگر اسب در کنار مالک خود در خدمت سیستم عمومی حمل و نقل مسافر یا بار درون شهری قرار گیرد. درست مقابل کوچه نوغان ۴ که خود به ته پل محله و در ادامه به کوچه آب میرزا و باغ نادری می رسید و اکنون بخشی از شارستان نامیده است، یگانه اسب خانه محله نوغان قرار داشت. این اسب خانه در سال های بعد از جانشینی خود رو با اسب در سیستم حمل و نقل درون شهری و برون شهری به عنوان کاروان سرایی کوچک محل اسکان برخی مسافران در راه مانده و البته انبار همسایگان بود. اسب خانه نوغان در سال های میانه دهه ۶۰ تبدیل به یک مسافر خانه و بعد هم به هنگام ایجاد شارستان به بخشی از آن مبدل شد.

● مطب دکتر نصیری

یکی دیگر از دیدنی های راسته کوچه نوغان که قربانی ایجاد شارستان شد، مطب دکتر محمد نصیریان بود. این بنا هرچند از لحاظ معماری یک سازه پهلوی دوم و آن هم دهه ۵۰ شمسی بود اما به دلیل شخصیت اجتماعی خاص مالک آن یعنی دکتر محمد نصیریان که البته در بین اهالی نوغان به دکتر نصیری معروف بود، جایگاه ویژه ای در بین ساکنان این محدوده داشت. دکتر نصیری را که متأسفانه به طرز وحشتناکی درهشتاد و پنج سالگی به قتل رسید بسیاری از مردم مشهد با پزشک مردمی نیمه نخست قرن چهارده خورشیدی مشهد یعنی دکتر مرتضی شیخ مقایسه کرده و حتی وی را دکتر شیخ دوم می خواندند. این مقایسه هم البته بی دلیل نبود و دکتر نصیری هم چون دکتر شیخ بسیار مردمی بود تا جایی که نه تنها در بسیاری از موارد از گرفتن ویزیت خود از بیماران نیازمند ممانعت می کرد که حتی برای آن‌ها یک مقررری ماهیانه در نظر می گرفت که از سوی منشی

وی به دست آن‌ها می رسید. درست به همین دلیل هم تخریب ساختمان مطب وی برای اهالی محله نوغان از تخریب دیگر از بناهای این محدوده دردآورتر بود.

● کاروان سرای ننه محمود

کاروان سرای موسوم به «ننه محمود» را می توان آخرین کاروان سرای باقی مانده در راسته نوغان لقب داد که تا اواسط دهه ۹۰ خورشیدی هم کج دار و مریز به فعالیت خود ادامه داد. این کاروان سرا که اندکی پس از کوچه نوغان ۴ البته در سمت مقابل راسته کوچه نوغان قرار داشت دیر زمانی چون سایر کاروان سراهای شهر محل اسکان زائران حضرت ثامن^ع و نگهداری اموال و احشام آن‌ها بود و پس از تغییر و تحولات ابتدای سده ۱۴ هجری به مجموعه تجاری البته با گرایش مشاغل قدیمی و کهن تبدیل شد و تا آخر عمر هم بر همین پاشنه ادامه حیات داد. در این مجموعه در سال پایانی عمر، یعنی نیمه دوم دهه ۹۰ شمسی، رنگرزی حاجی دیباغ تنها رنگرزی فعال در بافت قدیمی مشهد، قهوه خانه که یکی در ورودی و دیگری در داخل کاروان سرا قرار داشت، سماورسازی قدیمی حاجی صارم که باز هم از آخرین فعالان این صنف در بافت قدیم مشهد بود، کارگاه آبنبات پزی حاج حسین خوشبواوندی که نبات آن در منطقه ضرب المثل بود و انبار پشم و نخ و رنگ حاجی دهقانی قرار داشت و از محدوده میانی آن هم به عنوان پارکینگ زوار استفاده می شد.

● سایر موارد

آنچه در بالا اشاره شد تنها بخشی از بناهای شاخص نابود شده در طول سالیان در راسته کوچه نوغان است. بناهای بسیاری دیگری هستند که با جست و جودر لابه لای کتب تاریخ یا حتی صفحات نشریات می توان اثری از وجود آن‌ها در راسته کوچه نوغان پیدا کرد که اکنون هیچ اثری از آن‌ها وجود ندارد. کاروان سرا و آبنبات سازی حاج رحیم قناد نبش نوغان ۴، چلوکبابی رضا و خانه منصور حاج گلاب معروف به منصور ترکه، نش کوچه نوغان ۱۲ تنها نمونه ای از خروار این بناهای نیست شده هستند که هر کدام از آن‌ها داستان های بسیار در دل خود دارند.



محل قدیم کاروانسرای حاج حسین رنگرز



محل قدیم کاروانسرای حاج حسین رنگرز



قهوه خانه های مشهد به روایت غلامحسین بقیعی

پاتوق هایی برای معاشرت

گروه تاریخ و هویت

در بخش سوم «مشهدنویس» که به روایت های کتاب «مزار میرمراد» اختصاص داده ایم، مطلبی را درباره قهوه خانه های

مشهد به قلم غلامحسین بقیعی نوشته ایم. «در آن زمان قهوه خانه ها پاتوق معمارها و استادکاران و میعادگاه دلالان معاملات ملکی و مرکز مطرب ها و نوازندگان حرفه ای و محل تجمع افراد گوناگون به شمار می رفت.

وسعت قهوه خانه ها از همه دکان ها و کارگاه ها بیشتر بود. دورتادور آن را سکو می ساختند و مشتری ها روی فرش چهارزانو می زدند. یادر لبه سکو ها یا روی چهارپایه هایی که در صحن قهوه خانه پراکنده بود می نشستند.

با اینکه از شنیدن اسم و عنوان قهوه خانه به نظر می رسد که در آنجا قهوه می نوشند ولی عملاً در قهوه خانه هیچ اثری از قهوه و قهوه جوش و قهوه خوری و چیزهای وابسته به آن به چشم نمی خورد. در قهوه خانه چای قندپهلو، نبات داغ،، قنداغ، چای شیرین، چای بزرگ، چای ترش، قلیان و وافور به حد وفور وجود داشت.

بعضی قهوه خانه ها را خیلی بزرگ می ساختند. حتی یک حیاط و باغچه مصفاایی را هم به آن می افزودند. تعدادی حصیر و گلیم وقالیچه یا چهارپایه در نقاط مختلف باغچه قرار می دادند و مشتریان روی آن ها می نشستند و ضمن کشیدن قلیان و چپق و سیگار و وافور و نوشیدن چای، مذاکرات و معاملات خودشان را هم به پایان می رساندند.

روی سکوی پیشخوان قهوه خانه ها دو سه تا سماور برنجی بزرگ و کوچک دیده می شد و همیشه یکی شان غل غل می جوشید. یک قسمت سکو را به صورت منقل درمی آوردند. وسط آن را پر از آتش و خاکستر می کردند و چندتا قوری چینی جورواجور را برای دم کشیدن دروش می چیدند. زیر شیر یکی از سماورها یک تشکک برنجی بزرگ پراب می گذاشتند. قهوه چی پی درپی استکان نعلبکی های برگشتنی را در آن می شست.

و در حین آب کشیدن صدای جرینگ و جرینگشان را به گوش مشتریان می رسانید. سپس با دنباله لنگی که روی شانهاش قرار داشت، استکان های شسته را خشک می کرد و برقی می انداخت و برای استفاده دوباره وارونه روی سکو می چید. قهوه خانه دار نزدیک در ورودی، بالای تخت چوبی و قالیچه مخصوص خودش می نشست. یک تشکک برنجی کوچک برای ریختن پول و یکی هم جهت جمع آوری «پته» در کنار دستش می گذاشت.

بعضی اوقات در مقابل اوسفره ای گسترده بود و روی آن یک تیشه و یک قلهوه سنگ یا هاون برنجی وارونه و دو سه کله قند قرار داشت.

پیوسته قند می شکست و زیرچشمی مشتریان را می پایید و به شاگردانش دستور می داد که برای فلان کس چای ببرند و استکان ها را بردارند، قلیان چاق کنند و منقل وافور فلائی را دایر نمایند.

«پته» نام یک تکه سرب دکمه مانندی بود که مهر اسم صاحب قهوه خانه روی آن قرائت می شد. چون قیمت یک استکان چای خیلی کمتر از کوچک ترین سکه رایج بود، مشتری های دائمی قبلاً تعدادی پته از خود قهوه خانه دار می خریدند و به تدریج در ازای بهای یک استکان چای یک پته می پرداختند.

هفته به هفته هم خودوی با چپته اش از مقابل دکان های دور و برش می گذشت و از مشتریان می پرسید، پته دارند یا خیر. هر کدام نیاز داشتند مقداری می خریدند که در طول هفته به جای پول چای، یک پته در نعلبکی هر استکان خالی بیندازند. کار شاگرد قهوه چی که جز دادن چای و قلیان به مشتریان و دریافت بهای آن چیز دیگری نبود، در ظاهر ساده به نظر می رسید اما در عمل بسیار مشکل بود و احتیاج به مهارت و تجربه داشت.

می رسید اما در عمل بسیار مشکل بود و احتیاج به مهارت و تجربه داشت. کار شاگرد قهوه چی که جز دادن چای و قلیان به مشتریان و دریافت بهای آن چیز دیگری نبود، در ظاهر ساده به نظر می رسید اما در عمل بسیار مشکل بود و احتیاج به مهارت و تجربه داشت.

می رفت و در بین راه دستش را هماهنگ قدم هایش پایین و بالا و به راست و چپ می چرخاند. طوری از میان جمعیت می گذشت که یک قطره چای از استکان ها بیرون نمی ریخت. بیشتر قهوه خانه ها برای سرگرمی مشتریان و رونق کسب و کار خود گراموافون یا به اصطلاح آن موقع جعبه آواز داشتند. یک بوق دهان گشاد بلندی به یک سمت جعبه مکعبی شکل زیبایی متصل بود. ابتدا دسته جعبه را چندین دور می چرخاندند که دوک بشود، سپس یک صفحه روی آن قرار می دادند و سوزنش را عوض می کردند و به کارش می انداختند تا صدای صفحه از دهانه بوق بیرون بیاید و پخش گردد.

غیر از این دستگاه که تازه باب شده بود، هرکس هر چه در چپته داشت در معرض نمایش می گذاشت. ولی از همه جالب تر و همه کس پسندتر نقال هایی بودند که در شب های بلند زمستان و در ماه مبارک رمضان در بعضی قهوه خانه ها اجرا می کردند. چون نقالی مستلزم داشتن معلومات کتابی و حافظه قوی و استعداد بیان مطلب به شکل زنده و توأم با حرکات مناسب بود، هیچ کس از پیش خود نقال نمی شد. به همین دلیل تعداد نقالان اندک بود و هر نقالی در نقل و بیان موضوع خاصی تبحر داشت و در قهوه خانه معینی هم نقالی می کرد.

یکی از اشعار شاهنامه فردوسی قطعاتی را می خواند و با بیان شیرین و حرکاتی مناسب صحنه داستان را جلو چشم شنوندگان مجسم می ساخت. یکی از امیرارسلان نامدار، یکی از حسین کرد، یکی از اسکندر ذوالقرنین و یکی هم از پیکارهای حضرت علی^ع (صحنه هایی نقل می کرد و تماشاچیان را سرگرم می کرد.»



محل قدیم کالوسران حاج حسین رنگرز